

مہتاب جودکی از زهر، پول است، اگر خریدار داشته باشد. فقط باید یک آدم کاربلد پیدا کرد و یک خریدار خوب. اما آنها که پول خرج کردند، معلم گرفتند و عقب خریدند یا نتوانستند زهر بگیرند یا گرفتند و دستشان توی حنا ماند. بعضی‌ها هم شب که شد راهی بیابان شدند و توی تاریکی عقب‌ها را جمع کردند، به این امید که زهرش رای‌ها دار و سازه‌ها بفرودند، اما نرفت و ختنه‌نشد که نشد. زهر‌ها را کسی نمی‌خورد و گرم گرم این مایع کشنده توی یخچال‌ها جامانده. زهرگیری از بند بابایی با چنگال‌های قوی و نیشی سمی در انتهای دُمش کار هر کسی نیست، حتی کار آنها که آگهی‌های تبلیغاتی شان همه جا را پر کرده، عقب پرورش می‌دهند، می‌فروشند و شهر به شهر دوره‌های آموزشی بر گزار می‌کنند. توی تبلیغات تکثیر عقب، قیمت‌هایی می‌دهند که از واقعیت بسیار دور است. هر گرم زهر ۴ تا ۸ میلیارد تومان! اما کیست که بپرد؟ هیچ‌کس.

یک جست‌وجوی ساده برای دانیل‌دو فایل آموزشی پرورش عقب کافی است. همین فایل بی‌دی‌اف و فیلم‌های تکراری آموزشی، خوراک گروه‌هایی شده که از آموزش به داوطلبان جویای کار نان می‌خورند. در کلاس‌های آموزشی بدون مجوز – که به راحتی آب خوردن می‌توان در هر شهری پیداشان کرد – متقاضیان در عوض ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان پای صحبت آموزش دهندگان مدعی تخصص می‌نشینند، بلکه راه و چاه را یاد بگیرند، اما تهنش هیچ راهی نیست و پولشان به هدر رفته. این را ۲۰ شاکای یکی از همین دوره‌های آموزشی که در شهرهای مختلف سر آدم‌ها کلاه گذاشته، خوبمی‌دانند.

او پیش از عقب‌بر، در کار زال بود

کار تنظیم شکایت خوب پیش رفته. شاکیان در نامه‌شان از آقای «مبت» نوشته‌اند که تحت عنوان گروه پژوهشی برگ طلایی، بدون مجوز دوره‌های آموزشی تکثیر، نگهداری و زهرگیری عقب برگزار کرده و از این ۹۶ تانکون بیش از ۱۰ دوره آموزشی بدون مجوز در شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، کرج، تبریز، گناباد و… برگزار کرده. متشاکمی جمعه گذشته هم یک «دوره تخصصی» دیگر در تهران برگزار کرده بود و همچنان مشغول کار است.

در نامه شاکیان آمده که «لو عقب باقیمت‌های بسیار بالا برای پرورش و نهانپان‌زهرگیری می‌فروشد، اما با توجه به ندانستن تخصص و مجوزهای مربوطه، هم باعث نابودی این گونه شده و هم با توجه به سمی و کشنده بودن این جانور و نگهداری غیراستاندارد و بدون مجوز و رعایت نکردن نکات ایمنی در محل‌های مسکونی خطرات جانی فراوانی برای مردم دارد و امنیت شهروندان را به خطر می‌اندازد. این فرد با دادن مدارک جعلی ادعا کرده که از دو سال قبل در این حیطه فعالیت داشته و تجربه کافی برای برگزاری دوره آموزشی دارد، همچنین مدرک معتبر از سازمان نظام مهندسی جهاد کشاورزی و نفی و حرفه‌ای که شش شرکت‌کنندگن اراهی می‌شود. اما مدرک‌های دادمشده هیچ‌گونه اعتبار و ارزش قانونی ندارد.»

۲۰ شاکای که هر روز تعدادشان بیشتر می‌شود و در استان‌های مختلف پای درس تکثیر عقب نشست‌اند و پولشان را برای خرید این حشره سمی خرج کرده و به جایی نرسیده‌اند، کشف کرده‌اند

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

شرکت‌کنندگان دوره‌های پرورش عقب‌بر از کلاهی که به سرشان رفته می‌گویند

کسی «زهر» ما را نمی‌خرد

❖ شاکیان دوره‌های پرورش عقب می‌گویند گرفتن زهر عقب ممکن نیست

که فرد آموزش دهنده در چند سال گذشته در کار تکثیر زالو بوده و در آن‌جا هم شاکیان متعددی داشته و دارد. با احتساب هزینه ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان برای هر نفر و تعداد شرکت‌کنندگان ۲۰ تا ۸۰ نفر در هر دوره پیداست که درآمد خوبی نصیب صاحبان کلاس‌های آموزشی پرورش عقب می‌شود و برای شرکت‌کنندگان که تعدادشان هم کم نیست، چیزی نمی‌ماند جز ضرر. همین است که آنها در خواست کرده‌اند قانون با متخلفان برخورد کند، بلکه چرخه آموزش غیر تخصصی این‌ گروه‌ها بالاخره یک جایی متوقف‌شود.

ایران ۶۰ گونه عقب دارد و تنها زهر ۵-۶ گونه به کار دار و سازه‌ها می‌آید. شرکت‌های غیرقانونی همین عقب‌ها را اطعمه خود کرده‌اند. هر روز هزاران عقب‌بر مزرعه‌های پرورش تلف می‌شود

کلاس‌های بدون مجوز، مدارک جعلی

در گروه تلگرامی که برای شکایت از کلاس‌های بدون مجوز تشکیل شده، ۴۵ نفر از افرادی که در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند، حضور دارند. گروه تازه تشکیل شده و پیدا کردن آدم‌هایی که در دوره‌های آموزشی تکثیر عقب شرکت کرده‌اند، خیلی آسان نیست، اما هر روز کسی هست که به جمع شاکیان اضافه شود و پای نامه را امضا کند.

به جز موسسه برگ سبز که در بسیاری از استان‌ها تانکون دوره‌های آموزشی بر گزار کرده، موسسه آنتون در شیراز و برگ سبز در تهران هم در همین حوزه فعالیت می‌کنند. سعید احمدی یکی از شرکت‌کنندگان دوره‌های پرورش عقب در پیگیری‌هایش متوجه شده که این موسسه‌ها زیر نظر آموزشگاه کارگستر کرج کار می‌کنند، اما در جست‌وجوهایش از جهاد البرز متوجه شده که موسسه کارگستر هیچ مجوزی برای پرورش عقب ندارد و در عین حال مدارک شرکت‌کنندگان را به نام جهاد صادر می‌کند. سعید می‌گوید: «موسسه‌هایی که مجوز ندارند، دوره‌های یک یا دو روزه برگزار می‌کنند و روی مدرک هنر جوان می‌نویسند و ۱۱۰ ساعت آموزش فقط مایه که در مشهد شرکت کردیم، روی مدرکمان ۸ ساعت آموزش ثبت شده، اما وقتی از سازمان جهاد پیگیر شدم، متوجه شدم برگ طلایی مجوز پرورش عقب ندارد و مدرک‌ها جعلی است. تمام کلاس‌ها از دم کلاهبردارند.»

قاسم شرکت‌کننده دیگر این دوره‌هاست. او عکس مدرک آموزشی مدرس پرورش عقب را نشان می‌دهد که «تنها مدرک آقای «ت» است.» به گفته او فقط مدرک مدرس بلکه مدرکی که به شرکت‌کنندگان دوره هم داده می‌شود، معتبر نیست. «قرار



توله یوزپلنگ تصادفی قطع نخاع شد

توله یوزپلنگ آسیابایی که بر اثر برخورد با خودرو در جاده سمنان – مشهد مجروح شد، قطع نخاع شده است. به گزارش پایگاه خبری دیده بان محیط زیست و حیات وحش ایران یوزپلنگ آسیب دیده در محدوده عباس آباد توران با حضور نیروهای محیط زیست از محل حادثه به مکانی امن منتقل و سپس با حضور دامپزشک بیهوش و به یک بیمارستان انسانی منتقل شد. رادیوگراف وسی تی اسکن انجام شده نشان می دهد این یوز پلنگ نر و حدودا یک‌ساله بر اثر ضربه شدید دچار شکستگی لگن، شکستگی و جابجایی ستون مهره ه، نخاع جانور کاملا قطع شده است.

بود در دانشگاه آزاد مشهد برای ما کلاس بگذار و وقتی از او مجوز کار خواستیم، حرف را عوض کرد. به گمانم گفت متر کم را رئیس دانشگاه گرفته و پایان دوره پس می‌دهد. بعد هم مجوز نداد. اول گفته بود که کلاس در دانشگاه آزاد مشهد است، اما یک روز مانده به برگزاری مکان را عوض کرد و به یک دانشگاه خصوصی برد. بعد که از حراست دانشگاه آزاد تحقیق کردم، گفتند اصلا کسی درباره برگزاری کلاس با ما هماهنگ نکرده است. در واقع از اسم دانشگاه فقط برای رسمیت بخشیدن به کارش استفاده کرد. حالا هم در پوسترها درس نمی‌دهد.»

شسیرین هم در دوره‌های پرورش عقب در شیراز شرکت کرده: «هن موضوع کلاس‌های بدون مجوز را در شیراز پیگیری کردم و جهاد شیراز جواب داد که تقصیر خودتان بوده که اعتماد کرده‌اید و جمع کردن کلاس‌ها به ما ارتباطی ندارد. گفتند خودتان شکایت کنید. گفتم آقا برای شرکت‌کنندگان مدرک جعلی به اسم شما صادر می‌کنند. گفتند بله جعلی است، اما کاری از ما بر نمی‌آید.»

به ضرر عقب‌برها، به ضرر محیط‌زیست

«مزرعه به شهر نزدیک است.» برای سعید احمدی پیش از همه این دغدغه است. به گفته او، بسیاری از کسانی که در کار آموزش به گروه‌های مختلف هستند، مزرعه پرورش عقب‌برشان را در شهر راه انداخته‌اند. سعید همین حالا یکی از همین موارد را در مشهد سراغ دارد که وسط شهر مزرعه به پا کرده و اداره محیط‌زیست هنوز به آنها ایراد نگرفته است.

«آنها سواد نگهداری از عقب‌بر ندارند و در عوض ادعای تخصص دارند. مزرعه‌شان وسط شهر است و این برای مردم خطرناک است، به جز برای مردمی که خانه‌هایشان به مزرعه نزدیک است، این کار پرورش دهنده‌ها برای حیات‌عقب‌برها به عنوان گونه‌مهمی از حشرات هم تهدیدآمیز است.» و برای گزارش فعالیت این مزرعه در شهر به اداره محیط‌زیست مشهد رفت اما کار شناس حقوقی محیط‌زیست بدون بررسی ماجرا گفت که این حیوان وحشی تلقی نمی‌شود و از لحاظ قانونی مشکل ندارد. این در حالی است که سازمان حفاظت محیط‌زیست به این مراکز مجوز تکثیر عقب نمی‌دهد و فعالیت آنها هر چند بهانه‌اش تغالزایی غیرقانونی تلقی می‌شود.

ایران ۶۰ گونه عقسرب دارد و از میان این‌همه، تنها ۶-۵ گونه زهر بال‌زنی دارند که به کار دار و سازه‌ها می‌آید. شرکت‌های غیرقانونی همین عقب‌برها را طعمه خود کرده‌اند. هر روز هزاران عقب‌بر مزرعه‌های پرورش تلف می‌شود. این شرکت‌ها با ترویج صید و پرورش عقب‌بر، جمعیت این گونه را به خطر انداخته‌اند.

«تفراض» کلیه‌دوزهای است که محیط‌زیستی هادر واکنش به پرورش عقب روی آن تاکید دارند. همین چند روز پیش بود که دو شکارچی عقب در ریگان استان کرمان دستگیر شدند. مأموران اداره حفاظت محیط‌زیست شکارچیان مجعز را دستگیر کردند و عقب‌برها را از آنها گرفتند. آنها می‌خواستند این عقب‌برها را به تهران بیاورند. یک ماه پیش هم این اتفاق تکرار شد. این بار یک زن متخلف صید عقب می‌خواست. ۱۰ عقب‌بر را از مرز دوغارون به افغانستان ببرد. او را هم دستگیر کردند. براساس قانون، زندگی‌گیری

عقب‌بر، مجوز محیط‌زیستی لازم دارد و هر کس بی صید عقب بیفتد، بنا به نظر قاضی پرونده: از ۳۰ تا ۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی و یک یا سه ماه محکومیت کیفری دارد. آموزش دهندگان تکثیر عقب، روی اینها دست گذاشته‌اند: «مزوبوتوس اوپتوس» از گروه کژدم‌های زرد که زهر آن اگر چه برای افراد بالغ کشنده نیست اما درباره کودکان باید تردید کرد، «اندر کونتوس کراسیکودا» معروف به کژدم سیاه که ۳۰ درصد موارد کژدم‌گزیدگی را شامل می‌شود، «گاردوم» از کشنده‌ترین عقب‌های ایران که ۲ تا ۵ درصد از این نوع عقب‌گزیدگی به مرگ منجر می‌شود، «هونتوتو سالیسی» از عقب‌های بزرگ با چنگال‌هایی پر قدرت که از گونه‌های خطرناک

جرادنبال پرورش عقب برفتید؟

یکی می‌گوید به خاطر پول و یکی می‌گوید از سر ناچاری و بیکاری. سعید این‌طور ماجرا را تعریف می‌کند: «این آقای م.ت ادعای کرد که زهر عقب را به شرکت داروسازی می‌فروشد. گفت سه‌سال در این کار بوده و ما هم اعتماد کردیم و از او رسید نگر فتمیم. خیلی‌هاییکار هستند و هدفشان در آمدزایی است. من بهمین سال پیش در دوره آموزشی شرکت کردم و از برج ۱۲ کار را شروع کردم. آمدیم و یک تعدادی عقب گرفتیم و بعد فهمیدیم عقب‌ها را چند ۱۰ برابر قیمت اصلی به ما فروخته است. بعد هم آمدیم اصلا این کاره نیست. آخرش دستگیرمان شد که فروش زهر در ایران امکان ندارد. ماقای فروش زهر از طرف بعضی شرکت‌های دارویی، به پرورش دهندگان عقب اجازه صادرات زهر نمی‌دهد. آنها خودشان عقب‌بر زنده از صیالان می‌خرند و زهرگیری می‌کنند. هستند کسانی که زهر انستیتو پاستور را تأمین می‌کنند.»

سعید از توهم قیمت بالای زهر هم این‌طور حرف می‌زند: «می‌گویند زهر عقب خیلی قیمت دارد. مثلاً گرمی ۸ میلیون تومان. این عددها خیلی‌ها را اوسوسه می‌کند. با خودشان می‌گویند از ۶۰۰ عقب می‌توانند یک گرم مایع بگیرد، ولی مسأله این است که تا امروز فروش زهر هیچ‌وقت ممکن نبوده. یا می‌گویند زهر مایع گرمی بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون قیمت دارد اما داروسازی دکتر عبیدی گرمی یک میلیون تومان از تولید کنندگان می‌خرد. خوب این ضرر است برای ما. آنهايي که به بلژیک و فرانسه در خواست داده‌اند، هنوز موفق به فروش زهر نشده‌اند، حتی مراکز دانشگاهی تولید زهر که مجوز هم دارند، هم هنوز نتوانسته‌اند چند گرم زهرشان را بفروشند. مثلاً همین مرکز رشد دانشگاه فردوسی مشهد.»

با وجود همه‌گیر شدن مزرعه‌های پرورش عقب، حجم تولیدی زهر بسیار بالاتر از نیاز مراکز دارویی است. این یکی از مشکلاتی است که باعث شده زهر‌ها روی دست پرورش دهندگان عقب باد کند. «اگر کسی بلد باشد زهرگیری کند (که فقط چند نفر در ایران بلدند) نهایتاً می‌شود این کار را کرد اما مسأله این است که زهر آن قدر در دست تولیدکننده‌ها مانده که نمی‌دانند با آن چه کنند. همین‌طور نگه داشته‌اند تا قیمت خوب شود و مشتری پیدا شود. کسی را در شیراز می‌ناسم که ۲۰۰ گرم زهر دارد و نمی‌داند با آن چه کند. تولید کنندگان عقب در شروع کارشان بازار پای نمی‌کنند. آمار بیکاری هم بالاست. در دوره‌های آموزشی قول خرید زهر می‌دهند اما هیچ‌وقت این کار را نمی‌کنند. عقب‌بر هم ضربه تکثیرش بالاست و برای همین خیلی‌ها می‌روند دنبال این کار. غافل از اینکه زهر روی دستشان می‌ماند.»

ایران است. از میان کسانی که به کلاس‌ها می‌روند، خیلی‌ها هم افتاده‌اند بی فروش عقب، چون سود بیشتری دارد. پرس‌وجواز فروشندگان عقب معلوم می‌کند که قیمت عقب از دو تا هفت هزار تومان متغیر است و قیمت پرورشی‌ها به ۲ هزار تومان هم می‌رسد. هزینه دم و دستک زهرگیری هم در نهایت به ۲ میلیون تومان می‌رسد. عقب‌ها جیرجیرک سبزی می‌خورند و یک‌جور گرم که نامش «میل‌رُم» است. غذا را می‌شود آنلاین سفارش داد، فضای مجازی بر است از فروشندگان جیرجیرک و گرم. کار آنها هم در این بازار خوب رونق گرفته؛ جیرجیرک دل‌های ۱۰۰ تومان و میل رُم کیلویی ۷ هزار تومان.

قصه آدم‌ها

قصه تلخ امیر

هم سبزی شد تا سه‌سال مثل برق‌وباد بگذرد و خانواده جدید شیرازی منتظر نورسیدهای باشند، اما ایمان سخت و مشکلات بعد از آن باعث شد تا پز شک‌ها به «امیر» بگویند این در دانه نخستین و آخرین فرزند این خانواده خواهد بود.

«ماهرخ» به دنیا آمد و رنگ‌بویی جدید به زندگی آنها داد. روزگار هم وظیفه خود را به خوبی انجام داد و همچون برق‌وباد گذشت تا «ماهرخ» وارد دانشگاه شود و عاشق یکی از هم‌کلاسی‌هایش. خانواده مخالف این ازدواج بودند اما اصرارهای «ماهرخ» کار خودش را کرد و لباس سفید بخت را بر تن کرد، اما با گذشت ماه‌ها و سال‌ها خود «ماهرخ» هم به اشتباه بودن انتخابش پی برد، اما دیگر کاری از دستش بر نمی‌آمد و سعی داشت پای انتخابی که داشته بماند و در همین گیرودار بود که مادر را برای همیشه از دست داد و تنها پدر برایش باقی ماند، اما داماد خانواده شیرازی از شرایط به‌وجود آمده سوءاستفاده کرد و به مرور توانست تمام امور پدر را در دست بگیرد و همه‌کاره او شود و «امیر» غافل از همه‌جابه‌او اعتماد کرد تا زمانی چشم‌بگشاید و همه اموالش را بر باد رفته ببیند، چون دامادش با سوءاستفاده از اعتمادش همه اموالش را بالا کشیده و متواری شده بود و بعد از یک‌سال جست‌وجو شنیده‌ها از زندگی دامادش در کانادا خبر می‌داد، اما دیگر فایده‌ای نداشت چون «امیر» تنها فرزندش را برای همیشه از دست داده بود، چون ماهرخ تاب این درد را نداشت و دست از دنیا شست تا پدر برای همیشه تنه‌لپم‌اند.

حالا او سال‌هاست در یک خانه سالمندان دولتی زندگی می‌کند و تنها دوستش که مدتی با او در خانه سالمندان زندگی می‌کرد، هر از گاهی او را به خانه پسرش می‌آورد تا کمی از غصه‌هایش به‌دور باشد.

بخیرش آگهی‌های روزنامه شهروند: ۲۰۰۰ ۴۹۹۵۶



سازمان انتقال خون ایران

آگهی تجدید مناقصه عمومی شماره ۹۷/۱۱۶۵۹

ســازمان انتقال خون ایران در نظر دارد تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای خریــد ۶۲۵/۰۰۰ عدد کیسه خون دوتایی با ملحقات **Double Blood Bag 450 ML,CPDA1 or CPD/SAGM, With Accessory** مورد نیاز خود را الزاما از تولیدکنندگان داخلی و از طریق سامانه تدارکات الکترونیــک دولت به شماره سامانه ۰۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰۹۷۳ برگزار نماید. .

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری تجدید مناقصه از دریافت اسناد تجدید مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس **WWW.Setadiran.ir** انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در تجدید مناقصه محقق سازند. به پیشنهادهای واصله خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

پیشنهاد دهندگان موظف می باشند اسناد تجدید مناقصه شامل شرایط عمومی و اختصاصی را حداکتر تا تاریخ **۹۷/۰۵/۲۶** از طریق سامانه ستاد به آدرس **WWW.Setadiran.ir** دریافت و با توجه به مندرجات اسناد تجدید مناقصه، مدارک لازم را شامل پاکت الف ، ب و ج تهیه و به روش آموزشی بصورت فایل های PDF تا تاریخ **۹۷/۰۶/۰۵** در سامانه فوق درج و رسید دریافت نمایند. پیشنهادهای واصله راس ساعت ۱۰ صبح مورخ **۹۷/۰۶/۰۶** در کمیسیون تجدید مناقصه به نشانی سازمان انتقال خون ایران واقع در تقاطع بزرگراههای شیخ فضل اله نوری و شهید همت بلوک A در دفتر معاونت توسعه مدیریت و منابع سازمان بررسی و نتیجه متعاقباً اعلام خواهد شد.

ضمانتنامه شرکت در فرایند ارجاع کار (وجه التزام) **۳/۴۳۸/۰۰۰/۰۰۰** ریال و بصورت ضمانتنامه بانکی مبادره از یکی از بانکهای معتبر و رسمی کشور بنام سازمان انتقال خون ایران دارای اعتبار تا تاریخ **۹۷/۰۹/۰۶** قابل تمدید یا وجه نقد واریز شده به حساب **۴۰۰۱۰۳۴۲۰۶۳۷۱۵۶۹** بنام سپرده جاری نزد بانک مرکزی کد ۵۰ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی بــنــفــع سازمان انتقال خون ایران می باشد. و شرکتها موظف به تحویل ضمانتنامه مذکور تا تاریخ **۹۷/۰۶/۰۵** در پاکت لاک و مهر شده به نشانی مذکور بلوک C واحد امور قراردادها و دریافت رسید می باشند.

جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانید با شماره **۸۲۰۵۲۱۸۸** واحد امور قراردادها و جهت انجام مراحل عضویت در سامانه با مرکز تماس سامانه به شماره **۴۱۹۳۴** و دفتر ثبت نام **۸۸۹۷۹۷۳۷** تماس حاصل فرمایید.

م/الف ۱۴۹۷

روابط عمومی سازمان انتقال خون ایران